



عشق پسر ۱۵ ساله و زن معتاد ۳۵ ساله!

«پسر ۱۵ سال بیشتر ندارد، ولی عاشق زنی ۳۵ ساله و معتاد شده و با هم فرار کرده‌اند.» این محتویات شکایت مردی است که برای استمداد از مقامات قانون به دادسرا آمده است. وی در شکایتش گفت: من پنج فرزند دارم که یکی از آنها جعفر نام دارد. جعفر از بچگی علاقه‌ای به درس نداشت و مرتباً رفوزه می‌شد. سال‌ها گذشت و او به ولگردی پرداخت. من که از این موضوع خیلی ناراحت بودم کاری برایش پیدا کردم که هم سرش گرم باشد و هم درآمدی کسب کند و شبانه نیز درس بخواند. اوایل که جعفر سرگرم کار بود، خوشحال بودم به خصوص از این نظر که او در یک مدرسه شبانه هم درس می‌خواند. یعنی من این طور فکر می‌کردم غافل از این که او از یک سال پیش عاشق زن معتادی شده و هر چه در می‌آورد به پای او می‌ریزد. روزی که از این موضوع باخبر شدم، آن را با زخم در میان گذاشتم.

شب که جعفر به خانه بازگشت مادرش به وی اعتراض کرد. جعفر هم با قهر خانه را ترک کرد و به اتفاق همان زن معتاد ۳۵ ساله فرار کرد. حالا هر چه تلاش می‌کنم اثری از آنها پیدا نمی‌کنم. به همین دلیل امروز به دادسرا مراجعه کردم که این زن معتاد را که پسر ۱۵ ساله‌ام را فریب داده و گمراه کرده تحت تعقیب قانونی قرار بدهم.

با تلفن یک نفر ناشناس

زن و شوهر جوانی خود را با نفت آتش زدند!

داشتم و منیژه هم شوهر و یک بچه. مادر یک کوچک زندگی می‌کردیم.

منیژه با زخم آشنا و پایش به خانه ما باز شد...

منیژه گفت شوهرش را دوست ندارد و به زور با وی ازدواج کرده است. ما قرار گذاشتیم با هم ازدواج کنیم و از آن پس بنای ناسازگاری با همسران خود را گذاشتیم تا آنجا که آنها را مجبور به طلاق کردیم و هر دو، بچه خودمان را به آنها تحویل دادیم.

زندگی ما به آرامی ادامه داشت تا دیروز که گویا یک نفر ناشناس تلفنی به منیژه اطلاع داد من معتادم. من آن روز بیخبر وارد خانه شدم. دیدم منیژه پیت نفت به دست ایستاده. پرسیدم چه شده؟ گفت تو معتادی و من از زندگی با تو پشیمانم!

گفتم من قبلاً معتاد بودم، ولی مدتی است ترک کرده‌ام، اما منیژه باور نکرد و کبریت کشید و خودش را آتش زد. من هم از شدت ناراحتی تصمیم گرفتم خودم را آتش بزنم و همین کار را هم کردم، اما همسایگان سر رسیدند و مرا نجات دادند. سوختگی محمد جزئی است و به زودی از بیمارستان مرخص می‌شود، ولی طبق اظهار نظر پزشکان منیژه شدیداً سوخته و حالش چندان خوب نیست.

مجله جوانان
فروردین ۱۳۵۷

یک تلفن ناشناس، زندگی یک زن و شوهر جوان را به معنی واقعی کلمه به آتش کشید. ابتدا زن و سپس شوهر، خود را آتش زدند و اگر همسایگان و ماموران به موقع نمی‌رسیدند، چه بسا که این تلفن ناشناس به زندگی دو جوان خاتمه میداد.

هفته گذشته همسایگان خانه‌ای در حوزه کلانتری ۱۹ به کلانتری اطلاع دادند که زن و شوهری به نام منیژه ۲۰ ساله و محمد ۲۷ ساله خود را با نفت آتش زده‌اند. یکی از همسایگان در این باره به خبرنگار مجله گفت: من در حیاط خودمان مشغول سبزی پاک کردن بودم که ناگهان صدای نعره مانند محمد آقا را شنیدم. فوراً به خانه‌شان رفتم و دیدم محمد آقا دارد خودش را با نفت آتش میزند. شعله کبریت به لباس آغشته به نفت او رسیده بود که همسایگان دیگر هم سر رسیدند و به زحمت آتش را خاموش کردند. محمد آقا که از شدت درد به خود می‌پیچید در حالی که اتاق را نشان می‌داد، گفت: منیژه، منیژه به دادش برسید. ما همگی به اتاق رفتیم. منیژه غرق در آتش و کاملاً بیهوش بود. آتش را خاموش کردیم و به کلانتری اطلاع دادیم. ماموران سر رسیدند و هر دو را به بیمارستان سوانح بردند.

محمد که سوختگی‌اش کمتر است در گفت‌وگویی بیان کرد: تا هفت هشت ماه پیش من زن و یک فرزند

خیانت مجازی که خیلی زود واقعی شد



کنم، به قصد ازدواج با او آشنا شدم. آن روز قرار گذاشته بودیم تا بیرون برویم اما چون ناراحتی کلیه دارم احتیاج به دستشویی داشتم.

وقتی مقابل خانه شقایق رفتم از او خواستم تا زودتر حاضر شود ولی وقتی فهمید نیاز به دستشویی دارم مرا دعوت کرد. من به آنجا رفته بودم تا از سرویس بهداشتی استفاده کنم که شوهر شقایق سر رسید. من نمی‌دانستم او شوهر دارد. در ادامه همسر شقایق مدارکی به دادگاه ارائه کرد که نشان می‌داد، امیر می‌دانسته زن جوان شوهر دارد. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا برای شقایق و امیر حکم صادر کنند.

مجازی می‌گشتم. تا این که در تلگرام با امیر آشنا شدم. من آن روز او را به خانه‌مان دعوت کردم و قرار بود با هم صحبت کنیم که شوهرم سر رسید.

وی در حالی که اشک می‌ریخت گفت: حالا پشیمانم و می‌دانم اشتباه کرده‌ام. به همین خاطر از دادگاه تقاضای بخشش دارم.

سپس امیر روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: من دو سال بود از زخم جدا شده بودم. از شهرستان به تهران آمده و با ماشین کار می‌کردم.

وقتی با شقایق در تلگرام آشنا شدم به من گفته بود مطلقه است. من هم که دنبال پناهگاهی بودم تا زندگی تازه‌ای را شروع

دوستی زن جوان در تلگرام با مرد مسافر، زندگی‌اش را به نابودی کشاند. او آخر اسفند سال ۹۷ مرد جوانی به نام محمد به پلیس آگاهی رفت و فیلمی ارائه داد که پرده از رابطه پنهانی همسرش به نام شقایق با یک مرد غریبه برداشت. این مرد به ماموران گفت: مدتی بود به رابطه پنهانی همسرم با یک مرد غریبه پی برده بودم. دیشب فهمیدم آنها با هم قرار گذاشته‌اند. به همین خاطر صبح وقتی به بهانه رفتن به محل کارم از خانه بیرون رفتم، مقابل در خانه ماندم و کشیک دادم. من به محض این که پسر غریبه وارد خانه شد با دوربین فیلمبرداری به خانه رفتم. من پسر غریبه را که در حمام خانه‌مان پنهان شده بود پیدا کردم و از او و کاپشنش که روی مبل انداخته بود فیلم گرفتم.

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد شقایق و دوست پنهانی‌اش به نام امیر بازداشت شدند. آنها ادعا کردند فقط در فضای مجازی با هم رابطه داشته‌اند. در حالی که آنها با قرار وثیقه آزاد بودند دیروز در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای این جلسه شقایق اتهامش را قبول کرد و گفت: شوهرم صاحب یک مغازه بود از صبح تا شب به سرکار می‌رفت و به من و دو فرزندم هیچ توجهی نمی‌کرد. من کمبود محبت داشتم به همین خاطر ساعت‌های زیادی را در فضای

ادامه از صفحه ۱

گر چه عکاسی در اطراف رودخانه‌ها و سد‌ها خطرناک‌تر است اما تاکید من به عنوان کسی که مستمر در حال تجزیه و تحلیل حوادث است، بیش از همه بر خطرناک بودن «سلفی» هاست، چرا که در این موارد معمولاً افراد مراقب پشت سرشان نیستند در حالی که در عکاسی، طرف مقابل نزدیک شدن فرد به لبه رودخانه یا دیواره سد را می‌بیند و می‌تواند هشدار بدهد.

نکته دیگر این که هنگام عکاسی توسط فرد مقابل، شخصی وجود دارد که در صورت وقوع حادثه، به سازمان‌های امدادی اطلاع دهد اما در سلفی گرفتن در بیشتر موارد فرد تنهاست یا آن که تمامی افرادی که مشغول سلفی گرفتن هستند همگی با هم به داخل رودخانه یا سد می‌افتند و تاسف‌بار این که، حوادث بسیاری وجود دارد که حتی یک زن و شوهر با هم به داخل آب افتاده‌اند و تا ساعت‌ها کسی از وقوع حادثه خبر نداشته است که ماجرا را اطلاع دهد و ممکن است تا روزها، ماجرا به صورت گم شدن یا مفقودی افراد بررسی شود.

این مساله اهمیت بسیاری دارد که در کناره سدها و رودخانه‌ها، به مرگبار بودن سلفی‌ها باور داشته باشیم، اینجا واقعاً «اولین اشتباه»، آخرین عکسی است که از ما ثبت می‌شود.